

نقد کلام محقق خراسانی - ره - در توضیح گستره روایت و انحصار به باب قضا

فرمایش محقق خراسانی در ارتباط با روایت ابن حنظله از جهاتی مورد مناقشه است از این قبیل:

مناقشه اول:

در تحلیل محتوایی روایت باید توجه کرد که قضاوت در محیطی که روایت شریف صادر شده به این شکل بوده که صاحبان دعوا به راویان آشنا به موازین قضا و روایات اهل بیت - علیهم السلام - مراجعه کرده و از آن‌ها در واقع برای فصل خصومت و احقاق حق فتوا می‌خواستند. فرض سائل هم در اختلاف راویان، اختلاف حکمی است نه موضوعی و الا اختلاف مصداقی و موردی با سؤالات ابن حنظله مناسب نیست. نباید فراموش کرد عموم قاضیان شیعه که در دعاوی مورد مراجعه بوده‌اند، فاقد پست سیاسی، قدرت اجرایی و قهریه بوده‌اند و این اصحاب دعوا بوده‌اند که وقتی نظر را از راوی مورد مراجعه می‌گرفتند، خود به فصل خصومت می‌پرداختند و کافی بود آن را رأی معصوم - علیه السلام - بپندارند و این پندار در وقت اختلاف راویان و قاضیان نبود. پس این صحیح است که فرض امام - علیه السلام - و سائل فرض قضاوت لکن حیث جواب و ارائه راه حل برای مقام فتواست. و این غیر از «ادعای تنقیح مناط» است که به حق یا به ناحق مورد مناقشه قرار گیرد.

مناقشه دوم:

عدم ذکر گزینه تخییر در کلام امام - علیه السلام - نه به این خاطر است که راه حل‌ها منحصر به باب قضا ناظر است بلکه به این جهت است که ناظر به باب قضا هم می‌باشد و در قضا ذکر گزینه تخییر ناموجه است و بین این دو تفاوت است. با این توضیح معلوم گردید که عدم ذکر این گزینه را نمی‌توان نشانی از اختصاص روایت به زمان حضور دانست.

مناقشه سوم:

ندرت وقوع تکافیء متعارضین از هر جهت بر فرض که ثبوتاً چنین باشد، اثباتاً چنین نیست. فهمنده نص در موارد بی‌شماری به مزیتی قابل ترجیح در اثبات بر نمی‌خورد، (هر چند ممکن است ثبوتاً تکافیء همه‌جانبه نباشد؛) به ویژه بر مبنای عدم اعتبار مرجحات غیر منصوص یا تفصیل بین مرجحات موجب تاگد حجیت و عدم آن (به گونه‌ای که ذکر شد). ضمناً نباید غافل شد که ترتیب بین مرجحات نیز هر چند در روایت ابن حنظله آمده است لکن به دلیل عدم ثبوت آن حداقل نزد جمعی از اصولیین، قهراً متعارضین در بسیاری از موارد حالت متکافیء پیدا می‌کنند از این جهت که هر کدام مزیتی دارد که دیگری ندارد. با این توضیح دو ادعا ساقط می‌گردد:

أ) ادعای کسانی که لزوم ترجیح به مرجحات را کلاً قبول ندارند تا مجال برای اخبار تخییر پیدا شود؛

ب) ادعای اختصاص ترجیح به مرجحات منصوص تا مجال برای اخبار تخییر پیدا شود.

به این هر دو باید گفت: نگران مورد برای اخبار تخییر نباشید؛ چرا که نصوص متعارض متکافیء یا در حکم متکافیء، کم نداریم. توضیحات فوق روشن ساخت:

1. روایت ابن حنظله به کار باب افتاء می آید؛
2. لزوم ترجیح به مرجحات (منصوص یا اعم) مانعی ندارد؛

البته آن چه بیان گردید بررسی اتمیک روایت بود و بررسی آن در سلسله نظام بقیه روایات عنداللزوم در مجال دیگری صورت می پذیرد.

روایت دوم

«عوالی اللالی: روی العلامة مرفوعا الی زرارة بن أعین، قال: سألت الباقر - علیه السلام - فقلت: جعلت فداک، یاتی عنکم الخبران او الحدیثان المتعارضان، فبأیهما آخذ؟ فقال - علیه السلام - : «یا زرارة، خذ بما اشتهر بین اصحابک و دع الشاذ النادر» فقلت: یا سیدی، انهما معاً مشهوران مرویان مأثوران عنکم، فقال - علیه السلام - : «خذ بقول اعدلهما عندک و اوثقهما فی نفسک» فقلت: انهما معاً عدلان مرضیان موثقان، فقال - علیه السلام - أنظر ما وافق منهما مذهب العامة فاتركه و خذ بما خالفهم» قلت: ربما كانا معاً موافقین لهم أو مخالفین، فكیف اصنع؟ فقال: «اذن فخذ بما فيه الحائطة لدينک و اترك ما خالف الاحتیاط» فقلت: انهما معاً موافقان للاحتیاط او مخالفان له، فكیف اصنع؟ فقال: - علیه السلام - «اذن فتخیر احدهما فتاخذ به و تدع الاخير{الآخر}»¹.

تحلیل روایت

سند روایت

روایت از جهت سند نامعتبر است. به نقل از ابن ابی جمهور احسائی (متوفی 940ق) در عوالی اللالی از جناب علامه (726ق) از زرارة (قرن دوم)؛ بنابراین متفردات روایت صلاحیت استدلال ندارد.

تحلیل محتوا

در این روایت چهار سنجه ترجیح بیان گردیده است، بدین ترتیب:

شهرت، وصف راوی - مخالفت با عامه - موافقت با احتیاط و در نهایت به نهاد تخییر اشاره شده است.

1. مستدرک الوسائل، ج 17، ابواب صفات القاضی، باب 9، ص 303 و 304، حدیث 2.